

وضعیت دینداری و نگرش به آینده دین در میان نسل‌ها مطالعه موردی شهر سنندج

یعقوب احمدی^۱

چکیده

دین از جمله مهم‌ترین مفاهیم و از کارکردی ترین مقولات در جامعه بشری است. تجربه تاریخی زندگی بشر نشان می‌دهد که دین جزئی جدایی ناپذیر از این زندگی بوده است. پژوهش حاضر به روش پیمایشی به میزان پایبندی به دین را می‌سنجد. جامعه آماری شهروندان ۱۸-۲۹ و ۴۰ سال به بالای مناطق سه گانه شهر سنندج بوده، حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۶۰ نفر تعیین شده است. نمونه گیری به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انجام شده است.

یافته‌های پژوهش هر چند حکایت از رتبه مناسب دو نسل جوان و بزرگسال به لحاظ میزان دینداری به عنوان شاخصی کلی دارد، اما مطابق انتظار، رتبه نسل بزرگسال نسبتاً بالاتر از نسل جوان قرار دارد. همچنین تفاوت معنی داری میان دو نسل در ابعاد مناسکی و پیامدی دینداری و نگرش به آینده دین وجود دارد. البته، تفاوت معنی داری میان دو نسل در متغیرهای بعد اعتقادی و تلقی از مذهبی بودن افراد در آینده وجود ندارد. هر چند در زمینه نگرش به آینده مذهب، تلقی نسل بزرگسال منفی‌تر از نسل جوان است. در رابطه با پیوستار نسلی در زمینه دینداری می‌توان تفاوت‌های مکشوف میان نسل‌ها را با عبارت «فاصله نسلی» بیان داشت. اگرچه در پاره‌ای از ابعاد، مانند بُعد مناسکی و نگرش به آینده دین می‌توان تا حدودی قائل به «شکاف نسلی» بود.

کلید واژه‌ها: دین، نگرش، نسل، جوان، شکاف نسلی، وضعیت دینداری.

^۱ استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور سنندج، دریافت: ۸۸/۱۱/۲۴ - پذیرش: ۸۸/۱۲/۲۰

مقدمه

دین از مهمترین مفاهیم تاریخ بشری است که در تمام جوامع و در همه مراحل تاریخی زندگی بشری نقش مهم و موثری ایفا نموده است. تجربه تاریخی زندگی بشر، به خصوص در دوران مدرن حیات انسان به خوبی نشان داده است که دین جزئی جدانشدنی از وجود نسل بشر بوده است. از این رو، در تمامی نقاط جهان و در تمامی طول تاریخ بشر همواره سخن از دین بوده است. حتی در جهان معاصر، که هجمه به دین و پیروان ادیان، به ویژه ادیان توحیدی فراوان گشته است نیز دین شناسی و مطالعه در مورد آن همچنان محوریت خود را حفظ کرده است. علامه طباطبایی در آثار خویش، تعاریف گوناگونی از دین ارائه نموده است. ایشان در تعریف و شناسایی دین، گاه به معرفی آن به صورت عام و کلی، که همه ادیان اعم از آسمانی و غیرآسمانی را در برگیرد، نظر دوخته و زمانی تنها به معرفی ادیان آسمانی پرداخته است. در آثار ایشان دو تعریف متفاوت از دین وجود دارد:

۱. ماهیت و حقیقت دین به طور عام و فراگیر: در نظر علامه طباطبایی، «دین» روش عملی زندگی در این جهان بر مبنای اعتقاد درباره جهان و انسان به عنوان یکی از اجزای آن است، اعم از اینکه این روش از راه نبوت و وحی گرفته شود، یا از راه وضع قراردادهای بشری.

۲. ادیان الهی و آسمانی: هر چند دین مجموعه قوانینی است که انسان زندگی اجتماعی خود را برای رسیدن به خوشبختی بر اساس آن تنظیم می کند، ولی چنین نیست که همه ادیان بتوانند انسان را به سعادت و خوشبختی واقعی و حقیقی برسانند. از اینجاست که ادیان، به ادیان «حق و باطل» یا «الهی و غیرالهی» تقسیم می شوند. علامه طباطبایی ادیان الهی را چنین تعریف می کند: «دین الهی، مجموعه ای مرکب از معارف درباره مبدا و معاد و قوانین اجتماعی از عبادات و معاملات است که از طریق وحی و نبوت گرفته شده است»^۱. علما و اندیشمندان مسلمان دیگری تعاریف گوناگون و گاه متفاوتی از دین ارائه کرده اند که از جمله می توان به نظرات علامه مطهری، امام خمینی^۲ و دیگران اشاره نمود.

از منظر جامعه شناختی توجه به دین را باید در سپیده دم تکوین جامعه شناسی چونان رشته ای علمی ردیابی کرد. جامعه شناسان بزرگی چون مارکس، وبر و دورکیم تأملات ژرفی درباره دین داشته اند، به طوری که در مجموعه پژوهش های آنها پرداختن به واقعیت اجتماعی دین، سهم درخور اعتنایی را به خود اختصاص داده است. مقارنت شکل گیری این حوزه علمی با دوره ای خاص از تحول جامعه غربی، که به واسطه تمایزیابی ساختی و نهادی مشخص می شود و مواجهه دین رسمی با بحران کارآمدی، سبب شد که «مطالعه نظام وار و عینی روابط

دین و جامعه» و تحولات و معضلات دین در دستور کار جامعه‌شناسی قرار گیرد. از این منظر، گاه برخی از جمله مارکس (۱۸۱۸-۱۸۸۳)، سخن از «دین افیونی» و برخی دیگر از جمله اگوست کنت، (۱۷۹۷-۱۸۵۷)، دست به کار «دین‌سازی» می‌شوند. هر بیانی که در این زمینه وجود داشته باشد، نمی‌تواند موجب غفلت از این واقعیت گردد که اهمیت دین در آن دوران یا اهمیت مواجهه دین با بحران در آن دوره بود که نگاه‌ها به عملکرد و کارکرد دین را برای آنها برجسته کرده بود.

در ایران نیز همانند غرب بحث دین و کارکردها و آثار آن همواره مورد بحث بوده است. در برهه‌ها و دوره‌های مختلف به واسطه آثار انقلابی دین، شورش‌ها و انقلاب‌های بسیاری در جامعه ایرانی شکل گرفته است که مورد آخر آن انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ بوده است. انقلاب اسلامی از آن‌رو که با وجه دینی انجام پذیرفت، به دین در اجتماع و سیاست ایرانی جلوه‌ای نو عطا کرد. بر این اساس، مطالعات و پژوهش‌های بسیاری در رابطه با این مقوله مهم در ایران انجام پذیرفت.

شهر سنندج به عنوان یکی از شهرهای مذهبی ایران نیز اگرچه به لحاظ بافت مذهبی دارای زیرمجموعه اندک متفاوتی از جامعه کلی ایرانی است، اما از آثار و تبعات دین و دینداری برخوردار است. البته، این پیامدها پس از انقلاب اسلامی ایران دوچندان شده است. از این‌رو، مطالعه وضعیت دینداری، به ویژه در میان نسل‌های مختلف در جامعه سنندج امری مهم و شایان توجه است. نوشتار حاضر با اهمیت قائل شدن به مقوله دین، بررسی وضعیت دینداری میان دو نسل جوان و بزرگسال در شهر سنندج را مورد بررسی و آموزش قرار داده است.

تعریف مفاهیم

دینداری

«دین» در لغت به معنای قید و بند، التزام، تعهد، تکریم، تقدس و شریعت، مذهب، ورع و پاداش^۲ انقیاد، خضوع، پیروی، تسلیم و جزاست.^۳ و در اصطلاح، عبارت است از: اعتقاد به قوای لاهوتی و ماوراءالطبیعی و رعایت سلسله قواعد اخلاقی حقوقی و سیاسی اقتصادی و اجتماعی در زمینه ارتباط با خود، سایر بندگان و خدا و انجام مناسک عبادی در جهت کسب تقرب خالق و جلب رضایت او به منظور تعالی روح. دینداری به معنای التزام عملی و ذهنی به باورهای دینی است. به عبارت دیگر پیروی پیروان دین از آن و از زیرمجموعه‌های آن است. شکاف نسلی، موقعیت بسیار استثنایی و ویژه است. با وجود این که، نوعی وضعیت خاص استقرار نسل‌ها می‌باشد، ولی احتمالاً موقعیتی بحرانی هم به لحاظ تجربی و هم مسئله‌ای به

لحاظ نظری است. در چنین وضعیتی، دو نسل از یکدیگر منفک و جدا می‌شوند، بین آنها شکافی اتفاق می‌افتد و پیوستگی در رابطه آنها بسیار کم می‌شود.^۴

نسل

فرهنگ وبستر، نسل را عبارت از میانگین فاصله سنی بین تولد والدین و فرزندان تعریف می‌کند. در جامعه شناسی، قایل شدن معنایی روشن برای نسل دشواری‌هایی ایجاد می‌کند و علمای علوم اجتماعی، به طور سنتی معانی متعددی از نسل ارائه کرده‌اند، اما هنوز وفاق کافی در مورد معنای نسل وجود ندارد. شاید دست نیافتن به بنیان نظری واحد در این حوزه، یکی از عوامل اصلی عدم توافق در مورد معنای آن باشد. به رغم ابهامی که به تصور درآوردن نسل را برای جامعه شناسان دشوار می‌کند، این مفهوم نقش مهمی در جامعه شناسی، به ویژه جامعه شناسی سیاسی، که رفتار سیاسی را با نسل مرتبط می‌داند، ایفا کرده است. در جمعیت شناسی نیز، نسل به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که مرحله‌ای از حیات را با یکدیگر آغاز کرده یا پایان داده باشند. گروهی که در یک زمان فارغ التحصیل می‌شوند یا گروهی که در زمانی بالنسبه نزدیک به دنیا آمده یا ازدواج کرده اند.^۵ دیوید وایت معتقد است، نسل به واسطه وقایع و حوادث زیر ساخته می‌شود:

۱. واقعه فراموش نشدنی همچون جنگ، بلای طبیعی و یا هر حادثه سیاسی اجتماعی مهم

دیگر؛

۲. عوامل سیاسی یا فرهنگی که بیانگر واقعه‌های فراموش نشدنی است؛

۳. تغییر ناگهانی در ساختار جمعیت که زمینه ساز توزیع مجدد منابع جامعه شود؛

۴. شکل گیری فاصله طبقاتی جدیدی که زمینه ساز موفقیت یا شکست نسلی گردد. به

عبارت دیگر، تغییر ساختاری طبقاتی که توأم با فاصله جدید طبقاتی است و با ورود جامعه از دوره پیشرفت به رکود پیش می‌آید؛

۵. ایجاد فضای مقدس که موجب پایداری حافظه جمعی از امر مقدس ایده آلی شود؛

۶. فراهم شدن فرصت مناسب، اما موقت که توأم با خوشحالی کمی برای گروه خاصی

باشد، زمینه شکل گیری نسل می‌شود.^۶

پیشینه تحقیق

پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی انواع دینداری در بین دانشجویان» که توسط رامین حبیب زاده خطبه سرا در سال ۱۳۸۴ در دانشگاه تربیت مدرس انجام پذیرفته است، از

جمله مطالعات قابل توجه در زمینه دینداری می‌باشد. سؤالات مطرح شده در این تحقیق عبارتند از: میزان دینداری دانشجویان چقدر است؟ انواع دینداری در بین دانشجویان کدام است؟ و وزن هر نوع دینداری در جمعیت مورد مطالعه به چه میزان است؟

در این پایان نامه، برای بررسی میزان دینداری و شناخت انواع آن، الگوی پیشنهادی شجاعی زند به عنوان الگوی سنجش دینداری انتخاب شده است. پس از جمع آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آنها، نتایج زیر بدست آمده است:

میزان پایبندی دانشجویان به ابعاد مختلف دینداری از واریانس قابل توجهی برخوردار است، به طوری که، پاسخگویان در ابعاد اعتقادات دینی، اخلاق و تکالیف فردی بیشترین نمره و در عبادات جمعی و فردی و دانش دینی کمترین نمره را اخذ کردند. نتایج تحقیق نشانگر این است که، سه نوع دینداری شریعتی، اجتماعی و باطنی در بین دانشجویان وجود دارد. ۳۷/۹۱ درصد از دانشجویان دارای دینداری باطنی، ۳۳/۷۷ درصد دینداری شریعتی، ۲۸/۳۲ درصد دارای دینداری اجتماعی هستند. درصدهای به دست آمده در گویه‌های نماز جماعت، مجالس دعا، اعتکاف و نماز جمعه بیانگر این امر است که، ۴۹/۴ درصد از دانشجویان اصلاً در نماز جماعت شرکت نمی‌کنند، ۲۶/۴ درصد به میزان کم و ۲۰/۴ درصد به میزان زیاد در نماز جماعت شرکت می‌کنند. ۴۱/۵ درصد هم اصلاً در مجالس دعا شرکت نمی‌کنند. ۳۳/۵ درصد به میزان کم و ۲۰/۵ درصد متوسط و ۴/۵ درصد به میزان زیاد در مجالس دعا شرکت می‌کنند. ۸۱/۲ درصد اصلاً در مراسم اعتکاف شرکت نمی‌کنند. ۹/۸ درصد به میزان کم و ۶ درصد متوسط و ۳ درصد به میزان زیاد در اعتکاف شرکت می‌کنند؛ ۷۵/۴ درصد از دانشجویان اصلاً در نماز جمعه شرکت نمی‌کنند، ۱۸/۳ درصد به میزان کم، ۵/۱ درصد متوسط و ۱/۳ درصد به میزان زیاد در نماز جمعه شرکت می‌کنند.

۲. «سنجش دینداری جوانان و عوامل موثر بر آن (دانش‌آموزان سال سوم و پیش‌دانشگاهی شیراز)» عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد آقای مهدی محمدصادق است که در سال ۱۳۷۹ در دانشگاه شهید بهشتی انجام پذیرفته است. در این تحقیق دینداری جوانان مورد بررسی قرار گرفته است. هدف از تحقیق، سنجش میزان دینداری جوانان و عوامل مؤثر بر آن بوده است. برای سنجش دینداری از الگوی گلاک و استارک استفاده شده است که دینداری را شامل ۴ بعد اعتقادی، تجربی، پیامدی و مناسکی تعریف کرده‌اند. در این بررسی، نقش عوامل جامعه‌پذیری مانند خانواده، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی بر دینداری جوانان مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین عوامل دیگری نظیر عملکرد روحانیت، عام‌گرایی و پایگاه اجتماعی در رابطه با دینداری قرار داده شده‌اند. جامعه آماری تحقیق دانش‌آموزان سال سوم و پیش

دانشگاهی شهر شیراز بوده و حجم نمونه از روش‌های نمونه‌گیری خوشه‌ای، نمونه‌گیری تصادفی ساده و نمونه‌گیری سهمیه‌ای انتخاب شده است. سرانجام، ۲۱۱ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شده‌اند.

یافته‌های تحقیق نشان از تأیید فرضیات محقق دارند. اگرچه در میان وسایل ارتباط جمعی، تنها ماهواره و اینترنت اثر معنی‌داری بر دینداری داشته‌اند. خانواده بیشترین تأثیر را بر دینداری جوانان نشان داده و بعد از آن، مدرسه، عام‌گرایی و روحانیت مهم‌ترین متغیرها در این رابطه محسوب شده‌اند.

۳. پژوهش «تبیین وضعیت دینداری دانشجویان دانشگاه اصفهان»، که توسط محمد گنجی در سال ۱۳۸۳ به انجام رسیده است، نیز از جمله مطالعات دیگری است که به بررسی وضعیت دینداری دانشجویان می‌پردازد. در این نوشتار، ابعاد متنوع دینداری بر اساس الگوی گلاک و استارک به پنج وجه اعتقادی، عاطفی، مناسکی، پیامدی و دانشی (فکری) تقسیم شده و شاخص‌های هر کدام از آنها با آموزه‌های اسلامی تلفیق گردیده‌اند.

روش تحقیق در این پژوهش از نوع پیمایشی و شیوه نمونه‌گیری از نوع سهمیه‌ای می‌باشد. جامعه آماری آن کلیه دانشجویان دانشگاه اصفهان در مقطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد بوده است. تعداد از تعداد دانشجوی در سال تحصیل ۸۲-۱۳۸۱، ۲۶۸ نفر به عنوان حجم نمونه، پرسش‌نامه دریافت کرده‌اند.

کنکاش در سؤالات و فرضیات تحقیق بر اساس پرسش‌نامه طراحی شده، منجر به نتایجی گردیده که در قالب آنها، متوسط دینداری دانشجویان شاغل به تحصیل ۶۰/۷۳ درصد بوده و ابعاد اعتقادی، عاطفی، پیامدی، شناختی و مناسکی به ترتیب دارای بیشترین فراوانی در بین دانشجویان بوده‌اند. زنان، مجردان و دانشجویان مقطع کارشناسی به ترتیب، دیندارتر از مردان، متأهلان و دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد معرفی شده‌اند. محرومیت مطلق و محرومیت نسبی رابطه معنی‌دار و معکوسی با دینداری دانشجویان داشته، اما گزینش عقلانی، شیوه عرضه دین از سوی مبلغان دینی و سرمایه اجتماعی، دارای رابطه معنی‌دار و مستقیمی با دینداری دانشجویان بوده‌اند.

۴. پایان نامه «بررسی تأثیر تغییرات اجتماعی- فرهنگی بر فاصله نسلی»، که در سال ۱۳۸۲ توسط آقای فتحیان صفایی نژاد انجام پذیرفت نیز از جمله پژوهش‌هایی است که راهنمای مطالعه حاضر بوده است. این پژوهش، با استفاده از تکنیک پرسش‌نامه و با نمونه‌ای به حجم ۲۲۰ نفر از افراد بالای ۱۵ سال به اجرا در آمده است. چارچوب نظری غالب و مدل تحلیلی تحقیق مشتمل بر ترکیبی از دیدگاه‌های نوسازی و نظریه فرامادگیری رونالد اینگلهارت

بوده است. بر این اساس، پنج فرضیه اصلی با توجه به متغیرهای اصلی تحقیق به منظور سنجش فاصله نسلی مورد آزمون قرار گرفتند.

یافته‌های این تحقیق عبارتند از:

۱. بین میانگین نمره دینداری کلی نسل جوان (۴/۴۷) و بزرگترها (۴/۶۲) در سطح $p \leq 0/05$ تفاوت وجود داشته است.
۲. بین میانگین نمره اولویتهای ارزشی دو گروه سنی مورد مطالعه در سطح $p \leq 0/05$ تفاوت وجود دارد، به گونه‌ای که نسل جوان گرایش بیشتری به ارزش‌های فرامادی و بزرگترها گرایش به ارزش‌های مادی داشته‌اند.
۳. تفاوت در نوع گروه‌های مرجع نسل جوان و بزرگترها در سطح $p \leq 0/05$ نیز معنادار بوده به این معنا که نسل جوان بیشتر پیرو گروه‌های ثانویه و بزرگترها از گروه‌های نخستین تبعیت می‌کرده‌اند. با این حال، نقش پدر و مادر و مربیان و معلمان در نزد هر دو گروه سنی حائز اهمیت بوده است.
۴. بین میانگین نمره شاخص‌های نوگرایی نسل جوان (۴/۱۲) و بزرگترها (۳/۹۷) در سطح $p \leq 0/05$ نیز تفاوت وجود داشته است.
۵. بین متغیر پایگاه اجتماعی و اولویتهای ارزشی رابطه وجود داشته است؛ به این معنی که هر چه پایگاه اجتماعی افراد بالاتر بوده است، گرایش به ارزش‌های فرامادی بیشتر و هر چه پایگاه اجتماعی افراد پایین‌تر بوده، گرایش به ارزش‌های مادی بیشتر شده است.
۶. تفاوت در اولویتهای ارزشی زنان و مردان معنادار نبوده است.

مبانی نظری:

هویت دینی و دینداری

هویت دینی یا مذهبی یکی از ابعاد مهم هویت اجتماعی است که تأثیر فراوانی در انسجام و یکپارچگی گروه‌ها دارد. رابطه آدمی و دین و نسبتی که با آن پیدا می‌کند، در مقوله هویت دینی قابل تبیین و توضیح است. هویت دینی، به عنوان یکی از ابعاد هویت اجتماعی متضمن سطحی از دینداری است که با «ما»ی جمعی یا همان اجتماع دینی مقارنه دارد. در واقع، هویت دینی نشان دهنده احساس تعلق به دین، جامعه دینی و تعهد به دین و جامعه دینی است. با توجه به این که یکی از ویژگی‌های هویت، چند بعدی و مرکب بودن آن است، برای هویت دینی نیز ابعادی در نظر گرفته شده است:

۱. بعد اجتماعی: این بعد با مجموعه‌ای از معرفت‌های اجتماعی و نمادین سروکار دارد که

مرز گروه‌های دینی را تعریف می‌کند و به شخص اجازه می‌دهد تا میان «درون گروه» و «برون گروه» تمایز قایل شود: مثل عمل کردن به اصول اسلام یا غسل تعمید.

۲. بُعد تاریخی: بعد تاریخی را می‌توان آگاهی و دانش نسبت به پیشینه تاریخی و احساس تعلق خاطر و دلبستگی بدان دانست. بُعد تاریخی هویت دینی به آگاهی مشترک تاریخی افراد یک جامعه از گذشته تاریخی دین خود و احساس دلبستگی به آن و اهتمام به حفظ و زنده نگه داشتن آن دلالت دارد.

۳. بُعد فرهنگی: این بُعد حاوی مجموعه‌ای از عناصر شناختی نمادین و عملی است که میراث سنتی خاص را تشکیل می‌دهند. مانند آموزه‌ها، کتب، تاریخ اندیشه‌ها و... در واقع، بُعد فرهنگی نگرش مثبت به میراث فرهنگی - مذهبی مسلمانان و اهتمام به حفظ و نگهداری آن را نشان می‌دهد.

۴. بُعد دینداری و نگرش به نفس دین: این بعد شامل اجزای مهمی از جمله بعد اعتقادی، بعد شعاعی، بعد مناسکی، بعد تجربی، بعد دانش دینی و بعد پیامدی است.^۷

جدول شماره (۱): نظر اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان درباره کارکردهای دین

اندریشمندان	کارکرد مذهب
علامه طباطبایی	تشریح و وضع قوانینی که برای سعادت دنیا و آخرت آدمی سودمند است. اصلاح فرد و جامعه کنترل درونی رفتار بشر، کنترل دائمی که گریزی از آن نیست ^۸
جوادی آملی	تفسیر زندگی، هدایت و تأمین سعادت دنیا و آخرت ^۹
رابر تسون	تنظیم کننده رفتار فردی - برانگیزاننده احساس مشترک جهت وحدت اجتماعی - حافظ مقررات و نظم اخلاق
دورکیم	تقویت احساسات فردی و اجتماعی - حفظ همبستگی و انسجام اجتماعی - انضباط بخشی
کنت	ایجاد و تثبیت نظم اجتماعی - ایجاد وفاق جمعی و مشروعیت بخشی به تنظیمات اجتماعی
براون	تنظیم سامانمند روابط اجتماعی
وېر	کار منظم عقلانی و ایجاد تحولات اجتماعی
بینگر	ایجاد ارزش‌های دایمی برای پاسخگویی به نیازهای اساسی و غایی انسان - وحدت بخشیدن بین انسان‌ها
ادی	ایجاد ثبات اجتماعی و انطباق فردی
دیویس	تشدید دلبستگی افراد به هدف‌های گروهی، تقویت عزم افراد به رعایت هنجارهای گروهی، تقویت یگانگی افراد
گیرتز	ایجاد حس برای فائق آمدن بر تردید و سردرگمی - معنادار ساختن و قابل تحمل نمودن رنج در روحمیات بشری
استینت و دفرین	سعادت بخشی و خوشبخت نمودن خانواده
لاندریس	ایجاد احساس نزدیکی افراد به والدین و به طور کلی، نزدیکی افراد خانواده نسبت به هم
جانسون	ایجاد فضای گرم، شاد در خانه و ارتباطی نمودن خانواده
آسلیز	ایجاد روحیه در افراد جهت اعطای کمک‌های خیرخواهانه
کاندلند	ارتباط با سایر هم‌نوعان - وظیفه‌شناسی، احترام نسبت به دیگران، صداقت
میرز	بهبود کیفیت روابط خانواده، خوشبختی خانواده و ایجاد توانایی در اداره امورات خانه
موتلو	ایجاد جامعه‌پذیری مذهبی در بین جوانان
ولچ	ایجاد هم‌نوازی با سایر هم‌نوعان - تقویت روابط اجتماعی

اختلاف آراء و دشواری‌های موجود در تعریف دین و ماهیت و ریشه‌های آن، برخی نظریه‌پردازان را واداشته که مستقیماً به سراغ دینداری، مؤلفه‌ها و ابعاد آن بروند. دینداری عبارت است از؛ مجموع شناخت‌ها، احساس‌ها و تمایلات نسبتاً پایدار و مثبت نسبت به دین که در وضعیت عادی، طبیعی، اجتماعی و روانی در فرد وجود داشته باشد و در کنش‌های وی نسبت به نیروی جذاب (خداوند)، خود، جامعه و تاریخ به ظهور برسد. در تعریفی ساده‌تر عنوان می‌شود که، دینداری عبارت است از: پذیرش تمام یا بخشی از عقاید، اخلاقیات و احکام دینی به نحوی که شخص دیندار خود را ملزم به تبعیت و رعایت از این مجموعه بداند.^{۱۰}

ابعاد دینداری

برای روشن شدن مفهوم دینداری می‌توان ابعاد آن را شناسایی کرد. شناخت ابعاد به درک درست و عملیاتی مفهوم دینداری کمک می‌کند. معتقد بودن، مؤمن بودن، عبادت روزانه، عمل اخلاقی انجام دادن و پایبندی به احکام شرع از مهم‌ترین وجوه دینداری هستند. در اسلام از آثار و نشانه‌های آن می‌توان به تلاش فرد در ارتقای دانش دینی، داشتن ظاهر دینی، اقامه نماز و... اشاره کرد. آنچه در این تحقیق مورد نظر است، بررسی دینداری افراد بر اساس ابعاد آن است. اگرچه به طور تلویحی می‌توان به ابعاد مختلف دینداری اشاره نمود، اما این ابعاد غالباً در چارچوب الگوهای خاصی ارائه شده‌اند. در حال حاضر این الگوها یا الگوها با ابعاد و مؤلفه‌های دینداری، ابزار مطمئنی برای سنجش دینداری هستند که بدون استفاده از آنها، پیمایش در حوزه دینداری در سطح باقی می‌ماند.

الگوهای دینداری

این مسئله که ایران، جامعه‌ای دینی است و دین در تحولات اجتماعی آن تأثیر داشته، تاکنون بارها به بحث گذاشته شده است. پژوهش‌هایی چون بررسی «آگاهی‌ها و نگرش‌های فرهنگی - اجتماعی در ایران» و «بررسی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان»، که در سطح ملی و گسترده‌ای انجام شده‌اند، نشان دهنده میزان بالای دینداری و تمایلات مذهبی ایرانی‌هاست. اما نکته‌ای که در پژوهش‌های فوق توجه چندانی به آن انجام نپذیرفته است، عدم انتخاب الگویی برای سنجش دینداری و ابعاد آن است. مطالعه حاضر با بررسی الگوهای دینداری از میان آنها، یکی را به عنوان الگو قابل استفاده برای سنجش دینداری برمی‌گزیند.

الگو دینداری گرهارد لنسکی

لنسکی از نخستین افرادی است که الگوی دینداری خود را در قالب سنجش ابعاد و شاخص‌های

دینداری در اوایل دهه ۱۹۶۰ ارایه کرده است. دین از نظر لنسکی عامل مؤثری است که اندیشه و عمل فرد را حتی در جوامع مدرن متأثر می‌کند. وی برای سنجش این تأثیرگذاری، مهمترین جنبه‌های دینداری، یعنی «جهت‌گیری دینی» و «میزان درگیر بودن با گروه‌های دینی» را مورد بررسی قرار داده است. لنسکی با استفاده از رویکردهای اجتماعی و شخصی، بیرونی و درونی، چهار بُعد مختلف برای دینداری تعریف می‌کند. دو بعد از این ابعاد، با فعالیت‌های جمعی دینداری ارتباط دارند و به فعالیت‌های مشارکتی و نیز فعالیت‌های معاشرتی مشهور شده‌اند. دو بعد دیگر نیز با گرایش‌های گوناگون دینی در ارتباطند که «راست‌کیشی» و «عبودیتی» نامیده می‌شوند. بررسی‌های اولیه با تأکید بر اهتمام دینی در شهر دیترویت در سال ۱۹۵۸ نشان دادند که، بین دو فعالیت دینی مشارکتی و معاشرتی و دو نوع جهت‌گیری راست‌کیش و عبودیتی رابطه بسیار کمی وجود دارد. وی با تکیه بر تحقیقات خود، معتقد است که این چهار بعد، کاملاً جدا و مستقل از هم هستند. لنسکی هر یک از ابعاد دینداری را این‌گونه شرح می‌دهد: پایبندی معاشرتی مبتنی بر تعامل فرد با خانواده و دوستان و همکیشانی است که با او در دین و فرهنگ دینی سهیم هستند. درحالی‌که، پایبندی مشارکتی به مشارکت فرد در انجام فعالیت‌های دینی، به خصوص به صورت جمعی اشاره دارد. به عقیده لنسکی، جهت‌گیری عبودیتی یعنی همان ارتباط شخصی انسان دیندار با خدا، که موجب می‌شود فرد در تصمیمات مهم خود به خواست خدا، به طور جدی توجه کند. به نظر وی، دو بعد راست‌کیشی و عبودیتی فرد را به خود دین متصل می‌کنند و ابعاد مشارکتی و معاشرتی، فرد را به گروه‌های دینی پیوند می‌زند.^{۱۱}

لنسکی، راست‌کیشی را میزان پذیرش نظریه‌های دینی (احکام) و دستورهای مجامع دینی و عبودیت را جهت‌گیری فرد در عرصه خصوصی در عبادت می‌داند. منظور از بعد التزام مشارکتی نیز التزام فرد به چارچوب‌ها و ساختارهای رسمی و جمعی یک دین است که سنجش آن با توجه به متوسط فعالیت‌های نیایشی و فعالیت‌های رسمی عبادتی میسر می‌شود. لنسکی الگوی دینداری خود را از آزمون بر کاتولیک‌ها، پروتستان‌ها و یهودیان به دست آورده است و یافته‌های پژوهش وی با ساختار و محتوای دینی این سه شاخه از دینداران منطبق است.^{۱۲}

الگوی دینداری گلاک و استارک

سرآغاز ظهور دیدگاه‌های مبتنی بر چندبعدی بودن دینداری، اوایل دهه ۱۹۶۰ است. دهه ۱۹۷۰ مطالعات سنجش دینداری دستخوش تغییراتی شد که روش‌ها و تکنیک‌های جدیدی در این گونه مطالعات به کار گرفته شد. در این دهه، دینداری یا اهتمام دینی به اعتقاد و رفتارهای انسان، که در ارتباط با ماورالطبیعه و ارزش‌های غایی قرار دارد، اطلاق می‌شود. در این زمان،

دینداری شامل اعتقادات و رفتارهای نهادینه و غیرنهادینه بود که شامل فرقه‌های وابسته به کلیسا یا مستقل از کلیسا می‌شد.

چارلز گلاک طی دو دهه ۵۰-۶۰ میلادی در تلاش برای فهم و تبیین دین در امریکا بود. وی بحث ابعاد التزام دینی را در این کشور زنده کرد و با همکاری رادنی استارک در سال ۱۹۶۵، به شرح و بسط الگوی جدیدی از دینداری پرداخت. هدف اصلی آنها، عموماً درک شیوه‌های گوناگونی بود که مردم با توسل به آن، خود را مذهبی تلقی می‌کردند. گلاک و استارک بر این عقیده بودند که به رغم آنکه ادیان جهانی در جزئیات بسیار متفاوتند، اما دارای حوزه‌های کلی هستند که دینداری در آن حوزه‌ها و یا ابعاد - جلوه‌گر می‌شود.^{۱۳}

آنها برای دینداری چهار بعد اصلی «عمل»، «باور»، «تجربه»، «دانش یا معرفت» را تحت عنوان ابعاد عمومی الزام دینی مطرح کرده‌اند. این ابعاد چندگانه، در سطح مقیاس‌های اولیه به پنج شاخص یا مقیاس تقسیم شده‌اند که افزایش آن، ناشی از تفکیک بُعد عمل به دو بخش شاخص مناسکی و عبادی است. در مقیاس ثانویه، شاخص‌ها در نهایت به هشت عدد افزایش یافته است که شاخص‌های ناظر به روابط اجتماعی دینداران هم به آن اضافه شده است.^{۱۴}

نظر به اینکه ابعاد دینداری مورد نظر گلاک و استارک با نام‌های مختلف، اما محتوای یکسان، مورد استفاده الگوهای بعدی قرار گرفته‌اند و هم اینکه عمده تأکید این نوشتار در بررسی ابعاد دینداری بر الگوی دینداری آنها استوار است، از این‌رو، تشریح هر یک از این ابعاد ضروری است.

۱. **بعد باور:** آن چیزی است که انتظار می‌رود پیروان یک دین بدان اعتقاد داشته باشند. گلاک و استارک این باورها را در هر دین به سه نوع تقسیم کرده‌اند: «باورهای پایه‌ای مسلم، که ناظر بر شهادت به وجود خدا و معرفی ذات و صفات اوست. باورهای غایتگرا، که هدف و خواست خدا از خلقت انسان و نقش او در راه نیل به این هدف است. باورهای «زمینه‌ساز» که روش‌های تأمین اهداف و خواست خداوند و اصول اخلاقی را که بشر برای تحقق آن اهداف باید به آنها توجه کند، دربرمی‌گیرد».^{۱۵} گلاک و استارک بُعد باور یا عقیدتی را بُعد ایدئولوژیکی هم نامیده‌اند.

۲. **بعد مناسکی (عمل):** نظام اعتقادی در هر دینی وجود دارد، اما این اعتقادات به صورت مناسک نمود عینی می‌یابند. «تمام ادیان بنابر اقتضای نوع الهیات خود، نحوه خاصی از عمل و زیست را بر مؤمن الزام می‌کنند... که همان عمل دینی است. این عمل خواه‌ناخواه، در پرتو نظام فقهی و اخلاقی سامان می‌پذیرد».^{۱۶} بعد عمل یا مناسک، اعمال دینی مشخصی نظیر عبادت‌های فردی، نماز، روزه، صدقه، زکات و... را دربرمی‌گیرد. گلاک و استارک در تشریح بُعد مناسکی بر این نکته تأکید کرده‌اند که در عملیاتی کردن این بُعد، علاوه بر مشارکت در فعالیت‌های

مناسکی، تفاوت‌های مربوط به ماهیت یک عمل و معنای آن عمل نزد فاعلان آن نیز بررسی می‌شود. از نظر امیل دورکیم، تمامی مناسک و اعمال دینی در ادیان «کارکرد اجتماعی دارند و هدف آنها زنده نگهداشتن حس تعلق به گروه و مواظبت از اعتقاد و ایمان است».^{۱۷}

۳. بعد تجربه: تجربه دینی با احساسات، تجربیات و درون فرد دیندار مرتبط است. احساسات و عواطف دینی وجه عالی‌تری از دینداری است که کاملاً قلبی و درونی بوده و برخلاف مناسک و مراسم آیینی نمود بیرونی ندارد. دیندارانی که این بعد را کسب می‌کنند، «مخلص» نامیده می‌شوند.

در واقع تجربه «واقع‌های است که شخص خواه به عنوان عامل و خواه به عنوان ناظر، آن را تجربه کرده و نسبت به آن آگاه و مطلع است. تجربه دینی را غیر از تجربه‌های متعارف می‌دانند، یعنی شاخص متعلق به این تجربه یا وجود حضوری مافوق طبیعی دارد یا آن را موجودی می‌انگارد که که به نحوی با خدا مربوط است و یا آن را حقیقتی غایی می‌پندارند، حقیقتی که توصیف‌ناپذیر است».^{۱۸}

گلاک و استارک تجربه دینی را چندین نوع می‌دانند: تأییدی^{۱۹}: حس مؤدت و تأیید به وجود خدا؛ ترغیبی^{۲۰}: گزینش آگاهانه خدا و اشتیاق به او؛ شیدایی^{۲۱}: حس صمیمیت و شور و وجد نسبت به خدا؛ وحیانی^{۲۲}: مورد اعتماد خدا واقع شدن و کارگزار و فرستاده خداوند بودن.^{۲۳}

۴. بعد دانش: بعد معرفتی، عقلانی یا دانش با بعد عقیدتی بسیار نزدیک است. تفاوت این دو بعد، مربوط به آگاهی و شناخت در اعتقادات در بُعد دانش است. معرفت دینی، آگاهی به متون دینی است که می‌تواند الگویی برای باور، عمل و تجربه دینی باشد. از نظر گلاک و استارک، بعد معرفتی در ارتباط با مطالبی است که مردم از طریق عالمان دینی درباره مذهب می‌آموزند.

۵. بعد پیامدی: این بُعد، به دلیل بیشترین انتقادات، در میان ابعاد الگوی دینداری گلاک و استارک پس از مدتی حذف شد، از جمله این که، بعد پیامدی فی نفسه پیامد دینداری است، نه بعدی از ابعاد آن. بعد پیامدی دینداری، که با این انتقاد از الگوی دینداری کنار گذاشته شد، به اعمالی گفته می‌شود که از عقاید، احساسات و اعمال مذهبی ریشه می‌گیرد و از ثمرات و نتایج ایمان در زندگی و کنش‌های بشر است. این بُعد، نقش چندانی در جهت‌گیری انسان ندارد، بلکه خود، تابع ساختارهای اجتماعی است. از نظر این دو محقق، «بعد پیامدی جدا از سایر ابعاد قابل بررسی نیست. رفتارهای دینی می‌توانند در معنای پیامدی سنجهای از دینداری باشند که منجر به استواری ایمان مذهبی می‌شود. آنجا که منجر شود تا از باور، اعمال، تجربه و دانش دینی پیروی شود».^{۲۴}

الگوی دینداری گلاک و استارک، از نخستین الگوهایی است که بسیاری از الگوهای

دینداری بعدی، ابعاد خود را از آن وام گرفته‌اند. در ایران هم الگوی شناخته شده است که در برخی تحقیقات سنجش دینداری به عنوان چارچوب نظری مینا، مورد استفاده قرار گرفته است. الگوی گلاک و استارک پس از طراحان خود، بیشترین نقد و اصلاحات را داشته است.^{۲۵}

الگوهای دینداری در ایران

طراحان اغلب الگوهای دینداری، معتقدند که الگوی پیشنهادی آنان، فرادینی است و منحصر به سنجش دینداری پیروان دین خاصی نیست. با این حال، یکی از مهمترین ایرادهایی که در بیشتر موارد به این الگوها وارد شده است، محدود ماندن سنجها و گویه‌های پرسش‌نامه‌های آنان، در حد محتوای درونی یک دین خاص است. بر این اساس، محققان مسلمان نیز در پی دستیابی به الگوی متناسب با قابلیت‌های درونی اسلام هستند. از جمله الگوهای بومی برای سنجش دینداری در ایران، می‌توان به الگوی دینداری شجاعی زند اشاره داشت که در سال ۱۳۸۴ آنرا مدون نمود.^{۲۶}

الگوی دینداری شجاعی زند

شجاعی زند، دینداری را تأثیر و تجلی کم یا زیاد دین در ذهن، رفتار و روان افراد معرفی می‌کند که ابعاد پنج‌گانه معتقد بودن، مؤمن بودن، اهل عبادت بودن، اخلاقی عمل کردن و متشرع بودن از آن مستفاد می‌شود. برای ساخت سنجه یا سنجه‌های معیار دینداری، علاوه بر ابعاد و وجوه تصریح شده می‌توان از نشانه‌ها، آثار و پیامدهای عمیق‌تر دینداری نیز کمک گرفت. مانند تلاش فرد در افزایش دانش دینی، داشتن ظاهر دینی، برپایی شعائر و...^{۲۷}

جدول شماره (۳): مدل دینداری علیرضا شجاعی زند

	ابعاد وجود انسان	وجوه دین	ابعاد دین	ابعاد دینداری	نشانه دینداری	پیامد دینداری
	ذهن	معرفتی	اعتقاد	معتقد بودن	داشتن معلومات دینی	بینش الهی
اهل معنا بودن	روان	عاطفی	اخلاق ایمان عبادیات	اخلاقی عمل کردن	فردی	متخلق بودن
				مؤمن بودن		
تین	تن	عملی (رفتاری)	شرعیات	متشرع بودن	عمل به تکالیف فردی	ظاهر دینی
					عمل به تکالیف جمعی	هویت دینی
						اهتمام شعائری
						اهتمام مشارکت دینی
						اهتمام معاشرت دینی
اهتمام دینی در خانواده						

همان‌گونه که از توصیفات فوق درباره الگوهای دینداری برمی آید، مشخص می‌شود که بخش عمده‌ای از این الگوها محتواهای یکسانی را با عبارات اندکی متفاوت شرح داده و شباهت‌های بسیاری را با هم نشان می‌دهند. به همین دلیل، الگوهای سنجش دینداری در بسیاری از ابعاد محتوای یکسانی پیدا می‌کنند و غالباً در سه سطح به سنجش دینداری افراد می‌پردازند: «اولین سطح تماس با زندگی افراد یا همان اعمال و شعائر است. سطح درونی‌تر ایده‌ها و عقاید و بالاخره، سطح سوم درونی‌ترین بخش تجربه دینی افراد است.^{۲۸} بر این اساس، نوشتار حاضر، با توجه به الگوی گلارک و استارک تفکیک سه وجهی از ابعاد دینداری را به شرح زیر انجام داده و دین‌داری شهروندان سنندجی را به این شیوه مورد بررسی قرار می‌دهد:

۱. بعد اعتقادی یا باوری که شامل باور به خدا، توحید و سایر اصول اسلامی است.
۲. بعد مناسکی یا اعمالی که شامل عمل به مناسک و اعمال اسلامی، به ویژه واجبات است.
۳. بعد پیامدی که پیامدهای دیندار بودن افراد در ابعادی مانند کمک به مستمندان و پذیرش حجاب و... را در بر می‌گیرد.

نسل و رابطه نسلی

علاوه بر دینداری، که از وجوه اصلی مورد سنجش و مطالعه در نوشتار حاضر است، نسل و رابطه نسلی نیز از آن منظر که دینداری مبتنی بر آنها سنجش می‌شود، برای این نوشتار از اهمیت خاصی برخوردار هستند. از این‌رو، پاره‌ای از نظریه‌های نسلی تشریح می‌شوند.

رابطه نسلی، پدیده‌ای قرن بیستمی است و بیشتر در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ است که پدیده جوانی و رابطه نسل‌ها به عنوان یک مسئله اجتماعی به طور جدی مورد توجه تحلیل‌گران و صاحب نظران مسائل اجتماعی قرار گرفت. بنابراین، در آثار نظریه پردازان متقدم، به ویژه در حوزه جامعه‌شناسی به ندرت کسانی یافت می‌شوند که شخصاً پدیده رابطه نسلی را به عنوان یک موضوع اجتماعی مورد بررسی و تحقیق قرار داده باشند. با این وجود، در پاره‌ای از این نظریه‌پردازی‌ها، توجهی تلویحی به این پدیده در ابعادی خاص و محدود چون تفاوت‌های ارزشی، مذهبی، فکری و نظیر آنها مشهود است. به عنوان مثال، لوئیس کوزر در شرحی بر جامعه‌شناسی معرفتی کارل مانهایم می‌گوید: «در زمان کنونی بیشتر بر عامل اختلاف نسل‌ها در رابطه با افکار تأکید می‌شود که مانهایم توجه خاصی به آن نموده است. در واقع، شاید بی‌توجهی به جامعه‌شناسی نسل‌های مانهایم در گذشته و کشف دوباره آن در این زمان، خود یکی از نمونه‌های بارز یقین وجودی معرفت باشد».^{۲۹}

مانهایم معتقد بود که واقعیت تعلق به یک طبقه، یک نسل و یا یک گروه سنی و به افراد

متعلق به این مقولات، موقعیت مشترکی در فرایند تاریخی و اجتماعی اعطا کرده، پهنه تجربه بالقوه آنها را به صورتی خاص محدود ساخته و آنها را به شیوه فکری خاص و نوعی کنش تاریخی ویژه متمایل می‌گرداند. به اعتقاد وی، گروه‌هایی که درون یک نسل روی مصالح و وجوه مشترکشان به شیوه‌های گوناگون و خاص کار می‌کنند، واحدهای نسلی جداگانه‌ای به شمار می‌آیند.^{۳۰}

مارتین سگالین نیز در اثر خود تحت عنوان «جامعه‌شناسی تاریخی خانواده» در بحثی پیرامون روابط والدین و فرزندان می‌نویسد:

برای این پرسش، که آیا نوجوانان ارزش‌های والدین خود را می‌پذیرند، یا آنها را نفی می‌کنند پاسخی ساده وجود ندارد. در حال حاضر، والدین نوجوانان در شرایطی دشوار قرار دارند، اینکه امروز ارزش‌های اجتماعی، به خصوص در مورد مسائل جنسی در حال دگرگونی هستند، گفته‌ای رایج است. آنچه که والدین در دوره کودکی خود یاد گرفته‌اند، دیگر نمی‌تواند راهنمای فرزندانانشان باشد... در سطح سیاسی هم شکاف بین والدین و فرزندان در قبال موضوعات خاصی دیده می‌شود. اما در زمینه مباحث عمده اجتماعی، اختلاف سلیقه دو نسل چندان چشمگیر نیست.^{۳۱}

ج. ر. گیگس نیز در اثر خود «جوانان در تاریخ» به نحوه دیگری به این موضوع اشاره می‌کند:

به رغم فراز و نشیب‌های دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در میان دانشجویان و کارگران، در هیچ کجای اروپا و آمریکا، شواهد چندانی در اثبات وجود «شکاف بین نسل‌ها» دیده نمی‌شود. مطالعات مربوط به طغیان نسل جوان نشان می‌دهد که، گرچه درجه‌ای خاص از تنش والدین - فرزندان وجود دارد، اما هدف اصلی گردنگشی جوانان نه متوجه خانواده، بلکه متوجه محیط خارج است. نهادهای اجتماعی، سیاسی و آموزشی، که صرفاً به گونه‌ای غیرمستقیم با نسل قدیمی تر هم هویت تلقی می‌شوند، در قبال موضوعات بنیادی سیاسی - اجتماعی، احتمال بیشتر این است که جوانان و والدین آنها دارای اتفاق نظر باشند، نه اختلاف عقیده و تنش‌ها نیز بیشتر بر سر وسیله بروز می‌کند نه هدف. در بسیاری از شرایط معاصر، رویارویی افراد مسن و جوانان حاکی از تعارض افراد، با منافع گوناگون طبقاتی است. بنابراین، باید دقت کرد تا این وقایع به عنوان دلیلی بر وجود شکاف بین نسل‌ها مورد استفاده قرار نگیرد.^{۳۲}

به هر روی، می‌توان گفت جامعه‌شناسان با بهره‌گیری از دو رویکرد جامعه‌شناختی خرد و کلان، به مطالعه موضوع شکاف یا پیوستگی نسلی پرداخته‌اند.

الف. نگرش‌های کلان نگر، که شامل اندیشمندانی مانند: کارل مارکس، کارل مانهایم و رونالد اینگلهارت می‌شود. هرچند مارکس به طور مستقیم به تفاوت نسل‌ها اشاره نکرده است،

اما آن را در قالب ساختار طبقاتی، ایدئولوژی و نگرشی مطرح می‌کند که هر طبقه برای خود دارد ارزیابی می‌کند. کارل مانهایم نیز در بحث آگاهی نسلی معتقد است: «مردمی که آگاهی از تعلق به نسل خود را درونی می‌نمایند، در یک حس بنیادی که ناشی از اشتراک در تاریخ است مشارکت دارند و تجربیات جوانی مشترکشان بوسیله رویدادها و وقایع اجتماعی بی‌نظیر ساخته شده است».^{۳۳} رونالد اینگلهارت نیز در نظریه‌ای تحت عنوان دگرگونی ارزش‌ها، به بحث شکاف نسلی توجه کرده است. وی با آزمون دو فرضیه اصلی خود، یعنی فرضیات «اجتماعی شدن» و «کمپایی در سطح کشورهای پیشرفته صنعتی» در یک دوره زمانی به این نتیجه رسیده است که، پس از یک دوره افزایش سریع امنیت جانی و اقتصادی، می‌توان انتظار داشت که، بین اولویت‌های ارزشی گروه‌های بزرگسال با جوانان تفاوت‌های محسوسی مشاهده شود. این اولویت‌های ارزشی باید تحت تأثیر تجربه‌های مختلفی باشند که در گذر سال‌ها شکل گرفته‌اند.^{۳۴}

ب. دیدگاه‌های خردنگر: این دیدگاه‌ها بیشتر از منظر جامعه‌شناسی خانواده و روابط والدین و فرزندان، در انتقال ارزش‌ها از یک نسل به نسل دیگر به قضایا می‌نگرند. از جمله متفکرانی که با این دیدگاه به بررسی روابط بین نسل‌ها پرداخته است، می‌توان از مارتین سگالین^{۳۵} نام برد. سگالین معتقد است که، اختلاف عقیده و کنش‌ها در روابط دو نسل، معمولاً بر سر وسیله و نه هدف بروز می‌کند. وی این امر را بازتاب سیر تحولات تاریخی و نه نشانه بروز اختلال در درون خانواده و یا تعارض شدید بین گروه‌ها می‌داند. در بسیاری از شرایط معاصر، رویارویی بین جوانان و افراد مسن، عملی حاکی از تعارض بین افراد با مواضع گوناگون طبقاتی است. در این زمینه، مارگارت مید^{۳۶} عنوان می‌کند که، شکاف نسل‌ها پدیده‌ای جهانی است و تنها بیگانگی جوان مطرح نیست، بلکه به همان اندازه نیز باید به بیگانگی بزرگسالان توجه کرد. آنچه از یاد رفته است، ارتباط حقیقی و درست در یک گفتگوست.^{۳۷}

در مجموع، چهار رویکرد به مسئله نسل‌ها در بین متفکران مشاهده می‌شود:

۱. گروهی که به تفاوت و گسست و انقطاع نسل‌ها قایل هستند.
۲. گروهی که گسست را مربوط به دو یا چند نسل نمی‌دانند، بلکه معتقدند در درون هر نسلی هم می‌تواند بین گروه‌های مختلف گسست مشاهده شود و اعضای یک نسل واحد نیز ممکن است از موضوعی واحد درک متفاوتی داشته باشند.
۳. گروهی که معتقدند، مفهوم واقعی گسست در پارادایم معرفتی نهفته است. به طور مثال، هنگامی که جامعه از پارادایم مدرنیته عبور می‌کند، گسست‌های فوق که در اعضای نسل‌ها جلوه پیدا می‌کند، طبیعی است.

۴. سرانجام گروهی که تفاوت‌ها را عادی، جزئی و طبیعی قلمداد می‌کنند و تفاوت‌های موجود میان نسل‌های جوان، میانسال و بزرگسال را صرفاً ناشی از تفاوت‌ها در موقعیت‌های سنی می‌دانند و معتقدند که این مسئله به امری بیرون از موقعیت‌های یاد شده مربوط نیست. بر این مبنا، بدبینی به فضای اخلاقی جامعه و میل کمتر به تغییرات دینی هر دو نتیجه گذر سن است و با ورود به عرصه اجتماعی جابجا خواهند شد.

در مطالعه حاضر، نسل‌ها به دو دسته کلی، نسل جوان و نسل بزرگسال تفکیک شده‌اند. عامل تفکیک نیز عامل سن و البته، میزان فاصله با انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ بوده است. به عبارت دیگر، نسل جوان به لحاظ سنی کم سن و سال‌تر بوده و به لحاظ فاصله‌ای از وضعیت انقلابی فاصله بسیاری دارد. وجود فاصله زمانی از انقلاب را می‌توان عامل تفاوت در نوع جامعه پذیری و مسایلی از این دست قلمداد نمود. نسل بزرگسال در مقابل از انقلاب تجربه مستقیم داشته و به لحاظ سنی بزرگتر از نسل جوان است.

روش شناسی

پژوهش حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش، یک بررسی پیمایشی^{۳۸} است. از نظر هدف، یک بررسی کاربردی^{۳۹}، از نظر وسعت پهنانگر^{۴۰} و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی^{۴۱} است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شهروندان ۱۸ تا ۲۹ سال و ۴۰ سال به بالای شهر سنندج می‌باشد. تعداد نمونه بر اساس فرمول نمونه‌گیری کوکران^{۴۲} با دقت برآورد $d = 0.05$ و حداکثر واریانس $PQ = 0.25$ و سطح اطمینان ۹۵ درصد، ۳۸۴ نفر تعیین شده، که به دلیل زایل شدن پاره‌ای از پرسش‌نامه‌ها هنگام گردآوری داده‌ها و عدم امکان استفاده از آنها، ۳۶۰ پرسش‌نامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

جدول شماره (۴): ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخگویان

متغیر	ابعاد	درصد
جنس	مرد	۵۶/۷
	زن	۴۳/۳
وضعیت شغلی	شاغل	۶۷/۲
	بیکار	۳۲/۸
سن	۲۳-۱۸	۲۵
	۲۹-۲۴	۲۵
	۴۵-۴۰	۱۳/۳
	۵۰-۴۶	۱۳/۳
	۵۵-۵۱	۱۱/۷
	۵۵ به بالا	۱۱/۷

ادامه جدول

3 ادامه جدول

۲۰ ۳۵/۶ ۱۸/۹ ۲۵ ۰/۶	بیسواد ابتدایی و راهنمایی تا دیپلم فوق دیپلم و لیسانس فوق لیسانس و بالاتر	تحصیلات
۳۳/۳ ۳۳/۳ ۳۳/۳	پایین متوسط بالا	منطقه زندگی

بر این اساس، واحد تحلیل پژوهش حاضر، شهروندان و قلمرو زمانی تحقیق، شش ماهه دوم سال ۱۳۸۸ می‌باشد. همچنین میزان روایی^{۴۳} سازه‌های متعدد پژوهش براساس آلفای کرونباخ، در جدول شماره ۱ آمده است. به نظر می‌رسد، همه سازه‌های مورد مطالعه در حد مطلوبی دارای روایی‌اند.

جدول شماره (۵): ضریب آلفای کرونباخ

میزان آلفا	تعداد گویه	سازه و ابعاد
۰/۸۲۳	۱۶	دینداری
۰/۸۵۰	۶	۱- بعد اعتقادی
۰/۷۵۴	۴	۲- بعد مناسکی
۰/۷۳۳	۶	۳- بعد پیامدی

لازم به یادآوری است که اعتبار صوری پرسش‌نامه تکمیل شده، با استفاده از راهنمایی‌های مشاوران و متخصصان علوم اجتماعی و دینی انجام پذیرفته است.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش در دو قسمت ارائه می‌گردد. در قسمت اول، ابعاد گوناگون دینداری و همچنین نگرش به آینده دین توصیف شده. در قسمت دوم، فرضیات تحقیق درباره تفاوت یا عدم تفاوت میان نسل‌ها، درباره ابعاد دینداری و دینداری به صورت کلی، نیز بررسی می‌شوند.

توصیف متغیرهای اصلی

متغیرهای اصلی در این پژوهش، محدود به دینداری و ابعاد آن است. در جدول زیر توصیف آنها آمده است.

جدول شماره (۶): توصیف متغیرهای اصلی تحقیق

انحراف معیار	حداکثر	حداقل	میانگین	شاخص‌ها و ابعاد
۶/۴۷	۶۴	۱۶	۴۷/۴	دینداری
۲/۷۲	۲۴	۶	۲۲	اعتقاد
۲/۷۸	۱۶	۴	۱۰/۲۵	مناسک
۲/۸۶	۲۴	۶	۱۷/۱	پیامد

همان‌گونه که از جدول فوق برخی آمد، میزان دینداری کلی افراد به عنوان یک شاخص در شهر سنندج ۵۲/۴ است. بنابر آنکه، حداکثر نمره در این زمینه ۶۴ است، می‌توان این میزان دینداری را در حد «بالا» و «بسیار بالا» داشت. همچنین، نمره شهروندان سنندجی در ابعاد سه گانه دینداری، یعنی ابعاد اعتقادی، مناسکی و پیامدی به ترتیب ۲۲، ۱۰/۲۵ و ۲۰/۱ است که در مجموع، در بعد اعتقادی نیز هر دو نسل شهروندان سنندجی از میزان اعتقادات «بالا» و «بسیار بالایی» برخوردار بوده و از لحاظ پیامدی نیز می‌توان آنها را در رتبه بالا قرار داد. علاوه بر آن، آنچه که از جدول فوق مشخص است اینکه، از نظر میزان انجام مناسک دینی شهروندان در سطح پایینی قرار دارند.

جدول شماره (۷): نگرش به میزان مذهبی شدن شهروندان در آینده

درصد	فراوانی	نسل‌ها
۱۷/۸	32	مذهبی‌تر می‌شوند
۸۲/۲	148	غیرمذهبی‌تر می‌شوند
۱۰۰	۱۸۰	کل
۱۷	30	مذهبی‌تر می‌شوند
۸۳	150	غیرمذهبی‌تر می‌شوند
۱۰۰	۱۸۰	کل

جدول شماره (۸): نگرش افراد به آینده مذهب

درصد	فراوانی	
۲۲/۸	۸۲	خیلی تاریک
۴۱/۱	۱۴۸	تاریک
۲۸/۹	۱۰۴	روشن
۷/۲	۲۶	خیلی روشن
۱۰۰	۳۶۰	مجموع

جدول شماره ۷ و ۸ نیز نمایی کلی از وضعیت شهروندان سنندجی در رابطه با مقوله‌های نگرش به میزان مذهبی بودن شهروندان در آینده و نگرش به آینده مذهب ارائه می‌دهند. از آنجا که، آینده مذهب به واسطه دو پرسش مجزا سنجش شده است، از این‌رو، امکان طرح میانگین برای آنها میسر نبوده و از این لحاظ تنها به ارایه فراوانی آنها اکتفاء شده است. همان‌گونه که در جدول نخست آمده است، به نظر ۸۰ درصد پاسخگویان، گذر زمان موجب کاهش میزان مذهبی بودن افراد می‌شود و تنها ۲۰ درصد معتقدند که افراد در آینده مذهبی‌تر خواهند شد. به عبارت دیگر، این امر نشان می‌دهد که پاسخگویان از وضعیت ترویج و اشاعه دین و همچنین تبلیغات برای جذب افراد به مقوله‌های دینی چندان راضی نبوده‌اند. از این‌رو،

بر غیرمذهبی بودن افراد در آینده تأکید کرده اند. این نتیجه، گرچه ممکن است چندان مطلوب برای مؤمنان و افراد مذهبی نباشد، اما بی تردید توجه آنان را به این نکته جلب خواهد کرد که طرح‌ها و برنامه‌های مذهبی خویش بازنگری کنند. به عبارت دیگر، توجه به جدول شماره ۷، بیش از هر چیز بازنگری در برنامه‌ها و طرح‌ها را الزامی می‌سازد.

جدول شماره ۸ نگرش افراد به آینده مذهب در ایران را، با یک پرسش واحد آزمون شده نشان می‌دهد. در تداوم نگاه بدبینانه پاسخگویان به وضعیت مذهبی بودن افراد، نگرش به آینده مذهب در ایران را تاریک و بسیار تاریک می‌بینند. تنها کمتر از ۴۰ درصد آنها آینده مذهب را روشن یا کاملاً روشن می‌دانند. تفسیر جدول فوق نیز نشان از عدم توفیق برنامه‌ها و طرح‌ها برای جذب افراد به مذهب و چارچوب‌های مذهبی دارد و بیش از هر چیز، نیاز به بازاندیشی بنیادی در این برنامه‌ها را مطرح می‌کند. اگرچه تدوین طرح‌ها و برنامه‌ها متناسب، نیازمند انجام مطالعات مرتبط و کشف عوامل مؤثر بر نگرش منفی افراد به آینده مذهب است.

تحلیل فرضیات

همان‌گونه که در چارچوب نظری نیز بیان شد، تغییر نسل می‌تواند موجب تغییراتی در میزان دینداری افراد و نگرش آنها به مذهب و آینده آن شود. از این منظر، در ادامه دینداری و ابعاد آن و همچنین تلقی از آینده مذهب و... در میان دو نسل سنجیده شده و معناداری یا عدم معناداری آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

جدول شماره (۹): میانگین دینداری و ابعاد آن در میان دو نسل

مقوله‌ها	گروه‌های نسلی	میانگین	حداقل	حداکثر
دینداری	نسل اول	۴۵/۶۵	۱۶	۶۴
	نسل دوم	۴۷/۰۷		
اعتقاد	نسل اول	۲۲/۰۵	۶	۲۴
	نسل دوم	۲۱/۹۱		
مناسک	نسل اول	۷/۸۸	۴	۱۶
	نسل دوم	۱۰/۶۱		
پیامد	نسل اول	۱۷/۷۲	۶	۲۴
	نسل دوم	۱۸/۵۶		

همان‌گونه که در مبانی نظری پژوهش بیان شد، به لحاظ نظری میان دینداری و ابعاد آن در دو نسل مختلف پاسخگویان تفاوت وجود دارد. همچنین از مبانی نظری چنین برمی‌آید که، تلقی نسل‌های متفاوت از آینده مذهبی بودن و مذهب، متفاوت خواهد بود. جدول فوق این فرضیات را به لحاظ آماری مورد بررسی قرار می‌دهد.

بر اساس اطلاعات جدول شماره ۹، که درخصوص میزان تفاوت دو نسل در رابطه با دینداری و ابعاد آن است، چند نکته قابل ذکر است:

۱. در همه موارد فوق، غیر از بعد اعتقادی، تفاوت معنی دار میان دو نسل جوان و بزرگسال وجود دارد. به عبارت دیگر، در میزان دینداری، میزان انجام مناسک دینی و میزان انجام اموری، که مذهب بر آن تأکید می‌کند، مانند کمک به مستمندان و... تفاوت کاملاً معنی داری میان دو نسل وجود دارد.

۲. در بعد اعتقادی میان دو نسل جوان و بزرگسال تفاوت معناداری مشاهده نمی‌گردد. این نشان از آن دارد که نسل جوان نیز مانند نسل بزرگسال، برخلاف آنچه در جامعه ایرانی رایج است، دارای پایه‌های اعتقادی محکم و اصیلی است. این امر موجب جدایی نسل جوان از باور به مقدسات و اعتقادات غیراسلامی است.

۳. همان‌گونه که از وضعیت میانگین مشخص است، شدت تفاوت در دو نسل مربوط به بعد مناسک دینداری است که میزان تفاوت میانگین دو نسل به بیش از ۲ واحد میانگینی می‌رسد. علاوه بر آن، بیان این نکته نیز لازم است که، این تفاوت از شدت نسبی نیز برخوردار است. نسل بزرگسال، رتبه بالاتری در بعد مناسک کسب نموده و رتبه نسل جوان در این زمینه پایین‌تر از حد متوسط قرار دارد. پس از بعد مناسکی، شاخص دینداری به عنوان یک کل و در میان ابعاد دینداری شدت تفاوت در بعد پیامدی از شدت آن در بعد اعتقادی بیشتر است. جالب آنکه، در بعد اعتقادی هر دو نسل از میانگین بسیار بالاتری برخوردار بوده و مقادیر نشان از آن دارند که حتی نسل جوان نسبت به نسل بزرگسال از وضعیت به نسبه بهتری برخوردار است.

جدول شماره (۱۰): آزمون فرضیات و بیان تفاوت‌ها: بخش نخست

خطای معیار	معناداری	(T)	فرضیه‌ها
۰/۶۸	۰/۰۳۶	-۲/۱۰۳	بین نسل جوان و نسل بزرگسال به لحاظ میزان دینداری تفاوت معنی داری وجود دارد.
۰/۱۴	۰/۶۲۸	۰/۴۸۵	بین نسل جوان و نسل بزرگسال به لحاظ میزان اعتقاد به جنبه‌های دینی تفاوت معنی داری وجود دارد.
۰/۲۹	۰/۰۱۲	-۲/۵۱	بین نسل جوان و نسل بزرگسال به لحاظ میزان انجام مناسک دینی تفاوت معنی داری وجود دارد.
۰/۳۰	۰/۰۰۶	-۲/۷۹	بین نسل جوان و نسل بزرگسال به لحاظ میزان انجام امور ناشی از تعلقات مذهبی تفاوت معنی داری وجود دارد.

جدول شماره (۱۱): تحلیل فرضیات: بخش دوم

خطای معیار	معناداری	T	فرضیات
۰/۰۴۲	۰/۲۹۶	۱/۰۵	بین نسل جوان و نسل بزرگسال به لحاظ تلقی از مذهبی بودن افراد در آینده تفاوت معنی داری وجود دارد.
۰/۰۹۱	۰/۶۱	۱/۸۳	بین نسل جوان و نسل بزرگسال به لحاظ نگرش به آینده مذهب تفاوت معنی داری وجود دارد.

جدول شماره (۱۲): میانگین نگرش به آینده دین

مقوله ها	گروه‌های نسلی	میانگین	حداقل	حداکثر
نگرش به آینده مذهب	نسل اول	۲/۸۹	۱	۴
	نسل دوم	۲/۱۲		

جداول فوق تفاوت میان نگرش به میزان مذهبی بودن افراد و تلقی دو نسل از آینده مذهب را تشریح می‌کنند. بر اساس جداول فوق چند موضوع شایان توجه است:

۴. تفاوت معنی داری میان تلقی دو نسل از آینده مذهب وجود دارد. به عبارت دیگر، نسل جوان و نسل بزرگسال به لحاظ نگرش به آینده مذهب در ایران اتفاق نظر نداشته و ایده‌های متفاوتی دارند. اگرچه وجود تفاوت معنی دار با احتمالی در حدود ۹۴ درصد قابل تأیید است.

۵. میانگین‌های دو نسل در رابطه با نگرش به آینده دین نشان از آن دارد که، نسل جوان نگرشی تقریباً مثبت نسبت به آینده دین دارد. در حالی که، نسل بزرگسال نگرش منفی نسبت به آینده دین دارد. به عبارت دیگر، اگر بر مبنای پاسخ‌های پرسش مطلب فوق تشریح شود، می‌باید عنوان نمود که نسل بزرگسال آینده مذهب را تاریک می‌بیند در حالی که، نسل جوان آینده آن را روشن می‌یابد.

از جمله تفاسیری که می‌توان در این باب عنوان نمود، اینکه تفاوت در جامعه پذیری و میزان مذهبی بودن نسل‌ها است که موجب ایجاد چنین تفاوتی در نگرش‌ها به آینده دین شده است. به عبارت دیگر از آنجا که، نسل بزرگسال به لحاظ دینداری از رتبه بالاتری برخوردار است و نیز در وضعیتی کاملاً سنتی و مذهبی جامعه پذیر شده است، انتظار بیشتری از میزان مذهبی بودن افراد در جامعه حاضر دارد و به این دلیل که این انتظار چندان با واقعیت منطبق نیست، از این‌رو، نگاهی منفی به آینده مذهب در ایران دارد. در مقابل، از آنجا که نسل جوان در جامعه نوتر و با افکار متنوع‌تر جامعه پذیر گشته و خود نیز به لحاظ دینداری در میزان تقریباً پایینی قرار دارد، از این‌رو، انتظار او از آینده گرایی به دین چندان منفی نبوده و آینده آن را تقریباً روشن تلقی می‌کند. به عبارت دیگر، می‌توان دو مورد از عوامل اصلی ایجاد این تفاوت معنی دار در نگرش به آینده را به گونه جامعه پذیری نسل‌ها و میزان انطباق ایده و واقعیت آنها مرتبط نمود.

۶. تفاوت میانگین‌های دو نسل به لحاظ تلقی از مذهبی بودن افراد در آینده معنی دار نیست و این نشان از قرابت نگرشی در این زمینه دارد. اگرچه باید گفت هر دو نسل بر غیرمذهبی‌تر شدن افراد در آینده تأکید دارند، اما این تأکید تاحدودی در نسل بزرگسال بیشتر است و این میزان تفاوت آن‌چنان قوی نیست که موجب تفاوت معنی دار میان تلقی این دو از آینده شود.

جمع بندی و نتیجه‌گیری

این تحقیق به بررسی وضعیت شهروندان سنندجی به لحاظ دینداری و نگرش به آینده دین پرداخته و در این زمینه در مجموع می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. دینداری سنتی که متضمن پایبندی افراد به تمام ابعاد دینداری است، در بین هر دو نسل و به ویژه نسل جوان رو به سستی است و با توجه به شرایط ایجاد شده، پایبندی به برخی از ابعاد دینداری زیاد و به برخی دیگر کم می‌باشد.

۲. دینداری کلی در میان دو نسل با ترکیب تمام ابعاد و متغیرها بیشتر به سمت متوسط رو به بالا میل می‌کند، بطوری‌که میانگین دینداری دو نسل از ۱۰۰ حدود ۷۴ درصد است. در بعد اعتقادی که جنبه خصوصی تری دارد، نمره دینداری بالاست، پس باید گفت: در عرصه خصوصی و فردی همچنان که برگر بیان می‌کند، دین حضور پررنگی دارد و نمی‌توان گفت سکولاریسم اتفاق افتاده و یا در حال اتفاق افتادن است. برگر بر آن است که جهان معاصر، جهانی سکولار نیست، بلکه آکنده از احساسات مذهبی است. علت آن این است که، انسان‌ها عدم قطعیت در زندگی برایشان غیر قابل تحمل می‌باشد.^{۴۴}

۳. نمرات دینداری نسل جوان در تکالیف و عبادت جمعی و فردی یا به عبارت دقیق‌تر، در بعد مناسکی پایین می‌باشد (کمتر از ۵۰ درصد)، این در حالی است که، این بعد در میان نسل بزرگسال بسیار بیشتر است (بیش از ۶۵ درصد) این وجه، یکی از غالب‌ترین وجوه تفاوت میان دو نسل در میزان دینداری بوده است.

۴. همچنین در رابطه با تلقی دو نسل از آینده مذهب نیز تفاوت معنی داری میان دو نسل وجود دارد. به عبارت دیگر، نسل جوان و نسل بزرگسال به لحاظ نگرش به آینده مذهب در ایران اتفاق نظر نداشته و ایده‌های متفاوتی دارند. میانگین‌های دو نسل نشان از آن دارد که، نسل جوان نگرشی تقریباً مثبت نسبت به آینده دین دارد، این در حالی است که، نسل بزرگسال نگرش منفی نسبت به آینده دین دارد.

۵. در مجموع، در رابطه با وضعیت دو نسل اگرچه می‌توان از تفاوت معنی دار میان نسل‌ها سخن گفت، اما بی‌تردید شدت تفاوت به آن حد نیست که بتوان از گسست دینی یا مذهبی یا حتی شکاف مذهبی سخن گفت. به عبارت دیگر، تفسیر دقیق‌تر یافته‌های فوق در رابطه با ارتباطات نسلی را می‌توان بهتر از هر واژه‌ای با اصطلاح «فاصله نسلی» بیان داشت. فاصله نسلی به تفاوت‌های تاحدی عمیق میان نسل‌ها در رابطه با مقولات مختلف اشاره دارد. فاصله نسلی، معمولاً به تفاوت ارزش‌ها و هنجارهای خانواده و فرزندان اطلاق می‌شود. به بیان دیگر، فاصله نسلی، به اختلافات مهم بین دو نسل در تجارب، ارزش‌ها و هنجارها و به طور کلی، به اختلاف

و شکاف فرهنگی قابل توجه بین دو نسل گفته می‌شود. در مورد دینداری نیز در حالت کلی می‌توان به وضعیت فاصله نسلی اشاره نمود. اگرچه، چه بسا در مواردی مانند بُعد مناسکی و نگرش به آینده دین، نتوان با چنان دقتی از وضعیت فاصله نسلی سخن به میان آورد؛ چرا که شدت تفاوت در این مقوله‌ها بیش از سایر نسل‌ها است. به نظر می‌رسد، اصطلاح «شکاف نسلی» برای این وضعیت، مناسب‌تر باشد. وضعیت دو نسل جوان و بزرگسال در شهر سنندج در مقوله دینداری به صورت کلی و در بعضی از ابعاد دینداری مانند اعتقادی و پیامدی به «فاصله نسلی» نزدیک بوده و در ابعاد دیگری مانند بعد مناسکی و نگرش به آینده دین به «شکاف نسلی» شبیه است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها.....

۱. سیدمحمدحسین طباطبایی، *شیعه در اسلام*، ص ۱۳۳ - ۱۳۵.
۲. حسن عمید، *فرهنگ عمید*، ص ۶۷۳.
۳. عبدالله جوادی‌آملی، *دین شناسی*، ص ۹۳.
۴. تقی آزاد ارمکی و غلامرضا غفاری، *جامعه‌شناسی نسلی*، ص ۲۳.
۵. باقر ساروخانی، *دایرةالمعارف علوم اجتماعی*، ص ۱۰۷.
۶. تقی آزاد ارمکی و غلامرضا غفاری، *جامعه‌شناسی نسلی*، ص ۳۵.
۷. چیت سازقمی، *گسست نسلی در ایران: افسانه یا واقعیت* در کتاب *گسست نسلی*، به اهتمام علی اکبر علیخانی، ص ۱۹۴-۱۹۶.
۸. سیدمحمدحسین طباطبائی، *آموزش دین*، ص ۸.
۹. عبدالله جوادی‌آملی، *انتظار بشر از دین*، ص ۴۸.
۱۰. محمدتقی یغمایی، *دینداری نوجوانان و عوامل موثر بر آن*، *پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی*، دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۱. محمد گنجی، *تبیین وضعیت دینداری دانشجویان دانشگاه اصفهان*، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه اصفهان، ص ۶.
۱۲. همان، ص ۷۱.
۱۳. حسین سراج زاده و م. «توکلی، بررسی عملیاتی دینداری در پژوهش‌های اجتماعی»، *نامه پژوهش*، ش ۲۰ و ۲۱، ص ۳۸.
۱۴. محمد گنجی، *تبیین وضعیت دینداری دانشجویان دانشگاه اصفهان*، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، ص ۱۱۵.
۱۵. حسین سراج زاده و م. «توکلی، بررسی عملیاتی دینداری در پژوهش‌های اجتماعی»، *نامه پژوهش*، ش ۲۰ و ۲۱، ص ۱۶۴.
۱۶. م. طالبیان، *بررسی تجربی دینداری نوجوانان*، ص ۵۲۷.
۱۷. ریمون آرون، *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*، *ترجمه‌ی باقر پرهام*، ص ۴۰۵.
۱۸. مایکل پترسون، *عقل و اعتقاد دینی؛ درآمدی بر فلسفه دین*، احمد نراقی و دیگران، ص ۶۳.
19. Confirming.
20. Responsive.
21. Ecstatic.
22. Revelation.
۲۳. سیدمحمد مهدی‌زاده، «رهیافتی انتقادی به فرهنگ و جامعه نو»، *رسانه*، ش ۱، ص ۲۵.
۲۴. همان، ص ۴۳.
۲۵. شجاعی زند، «مدلی برای سنجش دینداری در ایران»، *جامعه‌شناسی ایران*، ش ۱، ص ۳۸.
۲۶. همان، ص ۴۹.
۲۷. همان.
۲۸. محمد شبستری، *نقدی بر قرائت رسمی از دین*، ص ۱۱۸.
۲۹. لوئیس کوزر، *زندگی و اندیشه‌ی بزرگان جامعه‌شناسی*، *ترجمه‌ی محسن ثلاثی*، ص ۵۶۹.
۳۰. همان، ص ۵۶۹.
۳۱. مارتین سگالین، *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده*، *ترجمه‌ی حمید الیاسی*، ص ۲۲۴.
۳۲. همان، ص ۲۲۶.
33. Isabelle Diepstruten & Others, Talking about my generation, ego and alter images of generations in the Netherlands, Journal of Social Sciences, p.93

۳۴. رونالد اینگلهارت، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، ص ۷۶.

35. Martin Segalin.

36. Margaret Mead.

۳۷. مهناز توکلی، ارزش‌های دو نسل دختران (نسل انقلاب) و مادران؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۲، ص ۳۵۸.

38. survey

39. applied

40. extensive

41. cross sectional

42. Cochran

43. Reliability

۴۴. پیتر برگر، افول سکولاریزم: دین خیزش گر و سیاست جهانی، ترجمه افشار امیری، ص ۲۶.



منابع

- آرون، ریمون، *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران، نشر علمی فرهنگی، ۱۳۷۷.
- آزاد ارمکی، تقی و غفاری، غلامرضا، *جامعه‌شناسی نسلی*، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳.
- انوری، حمیدرضا، *پژوهشی راجع به تقدیرگرایی*، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۳.
- اینگلهارت، رونالد، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، تهران، کویر، ۱۳۷۳.
- اینگلهارت، رونالد، *نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی*، ترجمه یعقوب احمدی، تهران، کویر، ۱۳۸۹.
- برگر، پیتر، *افول سکولاریزم: دین خیزش گر و سیاست جهانی*، ترجمه افشار امیری، تهران، پنگان، ۱۳۸۰.
- پترسون، مایکل، *عقل و اعتقاد دینی: درآمدی بر فلسفه دین*، احمد نراقی و دیگران، تهران، نشر طرح نو، ۱۳۸۳.
- پناهی، محمدحسین، «شکاف نسلی موجود در ایران و اثر تحصیلات بر آن»، *علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی*، ش ۱۷، ۱۳۸۳.
- توکلی، مهناز، *بررسی نظام ارزش‌های دو نسل دختران (نسل انقلاب) و مادران*؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله، *دین‌شناسی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۳.
- جوادی آملی، عبدالله، *انتظار بشر از دین*، قم، اسراء، ج پنجم، ۱۳۸۷.
- جیت سازقی، گسست نسلی در ایران: افسانه یا واقعیت در کتاب گسست نسلی، به اهتمام علی اکبر علیخانی، تهران، پژوهشکده علوم انسانی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳.
- حبیب‌زاده خطبه‌سرا، رامین، *بررسی انواع دینداری در بین دانشجویان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۴.
- ساروخانی، باقر، *دایرة المعارف علوم اجتماعی*، تهران، کیهان، ۱۳۷۰.
- سراج‌زاده، حسین و توکلی، م، *بررسی عملیاتی دینداری در پژوهش‌های اجتماعی*، *نامه پژوهش*، ش ۲۰ و ۲۱، ۱۳۸۰.
- سگالین، مارتین، *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده*، ترجمه حمید الیاسی، تهران، مرکز، ۱۳۷۰.
- شبستری، محمد، *نقدی بر قرائت رسمی از دین*، تهران، طرح نو، ۱۳۷۹.
- شجاعی زند، «مدلی برای سنجش دینداری در ایران»، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره ششم، ش ۱، ۱۳۸۴.
- صفایی‌نژاد، فتحیان، *بررسی تأثیر تغییرات اجتماعی - فرهنگی بر فاصله نسلی در شهر دهدشت*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۲.
- طالبان، م، *بررسی تجربی دینداری نوجوانان*، تهران، وزارت آموزش و پرورش، معاونت پرورشی، ۱۳۷۹.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، *آموزش دین*، قم، جهان آرا، ۱۳۶۸.
- _____، *شیعه در اسلام*، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ج هشتم، ۱۳۶۰.

- علی اکبر، نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها، تهران، پژوهشکده علوم انسانی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳.
- عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر، چ هفتم، ۱۳۶۹.
- کاظمی، عباس و فرجی، مهدی، سنجه‌های دین داری در ایران، تهران، جامعه و فرهنگ، ۱۳۸۸.
- کوزر، لوئیس، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی، ۱۳۷۰.
- گنجی، محمد، تبیین وضعیت دینداری دانشجویان دانشگاه اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۳.
- محمدصادق، مهدی، سنجش دینداری جوانان و عوامل موثر بر آن (دانش‌آموزان سال سوم و پیش دانشگاهی شیراز)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹.
- مهدی‌زاده، سیدمحمد، «رهیافتی انتقادی به فرهنگ و جامعه نو»، رسانه، سال یازدهم، ش ۱، بهار، ۱۳۷۹.
- یغمایی، محمدتقی، دینداری نوجوانان و عوامل موثر بر آن، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۰.
- یوسفی، نریمان، شکاف بین نسل‌ها - بررسی نظری و تجربی، تهران، نشر پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳.

Diepstrutan, Isabelle and Ester, Peter et al, Talking about my generation, ego and alter images of generations in the Netherlands, Journal of Social Sciences, 35, 2, 1993.

